

## آینده نظم جهانی و فرصت ایرانی

اگر تا پیش از این، گفتارهایی نظیر تغییر در نظم جهانی و بحران در نظام سرمایه داری، نقل آن دسته از محافل فکری بود که سال‌هاست رؤیای یک «سیاست آلترناتیو» را در سر می‌پروراندند؛ اکنون پای بحث از تحول و گمانه‌زنی پیرامون «نظم آینده جهانی» به اندیشکده‌ها، محافل سیاست‌گذاری و رسانه‌های جریان اصلی جهان کشیده شده است. این بار، نه سر پر سودای روشنفکران منتقد، بلکه تحولاتی انکارناپذیر بر روی زمین، بیم‌ها و امیدها به تغییر ساختار رهبری جهان را پیش کشیده است. تعیین یک «نقطه عطف» برای آغاز یک روند تحولی، معمولاً راه به جایی نمی‌برد و اندیشمندان و استراتژیست‌های مختلف، هریک صورت‌بندی‌های متفاوتی از نقطه عطف تحول در نظم جهانی ارائه می‌کنند. در آنچه در ادامه خواهید خواند، «جان مرشایمر» به شما خواهد گفت که ماجرا از خطای استراتژیک آمریکا آغاز شد که گمان می‌کرد با ادغام چین در فرایندهای جهانی می‌تواند به اشتباهی چین لگام بزند؛ در نقطه مقابل، «یان شوئه‌تونگ» نقطه کانونی تحول را روی بحران در نظم هنجارین لیبرال قرار می‌دهد و از تلاش چین برای نجات هنجارهای لیبرالی از چنگ آمریکا سخن می‌گوید؛ در سوی دیگر، «رابرت کاپلان» از «بازگشت جغرافیا» به سیاست و انتقام آن از جهانی سازی می‌گوید؛ همچنان که «الکساندر دوگین» ظهور «قاره اوراسیای جدید» را نقطه عطف تحول جاری برمی‌شمارد. هرچه هست، امروز کمتر ناظر صاحب‌کرسی‌ای در جهان سیاست است که روی تداوم وضع موجود جهان شرط ببندد. «تحول»، ضروری و حتمی پنداشته می‌شود و این یعنی برای ایران ما نیز زمان گذر از سیاست‌های اقتضایی فرا رسیده است و نقش‌آفرینی مؤثر و تضمین‌شده در معادلات جهانی، مستلزم شناخت درست از تحولات جاری و اتخاذ یک «سیاست ایجابی» در قبال آن خواهد بود. برآورد کنونی آن است که در نظم آینده جهان، پیوست‌ها و گسست‌ها بر مدار «راه‌ها» استوار خواهد شد. بنابراین مجموعه برنامه‌ها و عملیات‌های مرتبط با سیاست خارجی کشور - از تلاش برای رفع و خنثی سازی تحریم‌های ظالمانه آمریکا تا فعال سازی کریدورهای ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی، عضویت در پیمان‌شانگهای، موضع‌گیری در قبال جنگ اوکراین و نقشه راه همکاری‌های ۲۵ ساله با چین - لاجرم می‌بایست بخش‌هایی از یک کلان‌سیاست مبتکرانه و ایجابی در نسبت با احیای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در نقشه ژئوپولیتیک جهان باشد.

در این پرونده، سه روایت آمریکایی، چینی و روسی پیرامون منطق آنچه «تحول در نظم جهانی» خوانده می‌شود، از زبان استراتژیست‌های شاخص این سه کشور طرح شده و در امتداد این تصویر، تلاش شده است تا «فرصت ایرانی» در نسبت با تحولات جاری در نظم جهانی، شناسایی شود. همچنین به منظور به چنگ آوردن این فرصت، راهبردهایی نیز از زبان اندیشمندان و سیاست‌پژوهان کشورمان پیشنهاد شده است. ▶